

1000 لغت پر کاربرد انگلیسی

به همراه معنی



آموزشگاه زبان ملل

1000 لغت پر کاربرد انگلیسی

برای بیان لغات انگلیسی، دسته‌بندی‌های متفاوتی در نظر گرفته‌ایم و در مجموع 1000 لغت انگلیسی به همراه معنی فارسی آن‌ها ارائه شده است.

✓رایج‌ترین افعال

در زبان انگلیسی، افعال مهم‌ترین بخش از ساختار هر جمله محسوب می‌شوند به طوری که انجام دادن هر کاری را با فعل مورد نظر نشان می‌دهیم و در جمله اصلی‌ترین کلمه محسوب می‌شود. پرکاربردترین افعال را در ادامه یاد می‌گیریم:

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
بودن	be	داشتن، نگه داشتن	have
رفتن	go	شنیدن	hear
دوست داشتن	love	نیاز داشتن	need
تماشا کردن	watch	نوشیدن	drink
بستن	close	open	open
خواندن	read	نوشتن	write
پرسیدن	ask	گفتن	say
پرداخت کردن	pay	خواستن	want
فکر کردن	think	دیدار کردن	visit
listen	listen	خوابیدن	sleep
دانستن	know	انجام دادن	do
کار کردن	work	پختن	cook
تمام کردن	finish	فرستادن	send

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
خوردن	eat	دوست داشتن	like
خریدن	buy	سفر کردن	travel
تمیز کردن	clean	دریافت کردن	get

✓افعال کمکی Modal Verbs -

افعال کمکی نقش مهمی در جمله سازی دارند و بدون آن ها نمی توان منظور خود را دقیق بیان کرد. معمولاً برای بیان توانایی، اجبار، اجازه، احتمال و ... استفاده می شوند. برخی از مهم ترین آن ها :

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
شاید / احتمال داشتن	Might	توانستن	Can
باید (الزام قوی)	Must	می توانست	Could
باید / خواهد	Shall	ممکن است	May
خواهد (آینده)	Will	باید / بهتر است	Should
نیاز داشتن	Need to	می خواست / می بود	Would

✓افعال عبارتی Phrasal Verbs -

افعال عبارتی یکی از سخت ترین بخش های زبان برای زبان آموزهاست، در عین حال بسیار پرکاربرد :

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
درآوردن لباس	take off	بیدار شدن	get up
بیرون رفتن	go out	از خواب بیدار شدن	wake up
برگشتن	come back	نشستن	sit down
دنبال چیزی گشتن	look for	ایستادن	stand up

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
مراقبت کردن	look after	روشن کردن	turn on
تسلیم شدن	give up	خاموش کردن	turn off
تسویه حساب	check out	پوشیدن	ut on
تمام شدن	run out of	کشف کردن	find out
به تعویق انداختن	put off	راه اندازی کردن	set up
ادامه دادن	carry on	برداشتن	pick up
کم کردن	cut down on	پذیرش گرفتن	check in
ورزش کردن	work out	دوباره تماس گرفتن	call back
به هم زدن رابطه	break up	لغو کردن	call off
وارد شدن	come in	مراقبت کردن	take care of
دور شدن	go away	خراب شدن	break down
ادامه دادن	move on	آرام شدن	calm down
مطرح کردن	bring up	عجله کردن	hurry up
وارد شدن	log in	ادامه دادن	keep on
خارج شدن	log out	بزرگ شدن	grow up
فهمیدن، درک کردن	figure out	وقت گذراندن	hang out

✓ ضمایر پرکاربرد

مهم‌ترین ضمایری که باید در زبان انگلیسی بلد باشید و در موارد زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد به شرح زیر هستند :

ضمیر	ضمیر مفعولی	ضمیر ملکی	ضمیر انعکاسی
I	Me	My	Myself
You	You	Your	Yourself
He	Him	His	Himself
She	Her	Her	Herself
It	It	Its	Itself
We	Us	Our	Ourselves
You	You	Your	Yourselves
They	Them	Their	Themselves

✓ صفات پر کاربرد

از جمله مهم‌ترین [صفات انگلیسی](#) که بسیار کاربردی هستند عبارتند از:

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
نو، جدید	New	خوب	Good	قدیمی، پیر	Old
بزرگ	Big	کوچک	Small	بزرگ، حجیم	Large
کوچک، ریز	Little	مهم	Important	سیاسی	Political
بالا، زیاد	High	اقتصادی	Economic	بهترین	Best
مشکل، سخت	Hard	راست، درست	Right	اجتماعی	Social
آزاد، رایگان	Free	درست و حقیقی	True	پر	Full
شخصی	Personal	سخت، مشکل	Difficult	در دسترس	Available
غلط، اشتباه	Wrong	خصوصی، محرمانه	Private	فقر و بیچاره	Poor

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
ساده	Simple	همگانی، عمومی	General	مالی	Financial
سرد	Cold	اصلی	Main	دلپذیر، خوب	Nice
بزرگ، عالی	Great	بلند، طولانی	Long	تاریک	Dark
قوی	Strong	راحت	Easy	قوی	Strong
جوان	Young	بد	Bad	عمومی	Public
شاد	Happy	حقوقی، قانونی	Legal	محبوب	Popular
واضح، پاک، تمیز	Clear	ممکن	Possible	توانا	Able

✓رایج ترین حروف اضافه

حروف اضافه در زبان انگلیسی انواع مختلفی دارد و شما باید با آن‌ها آشنایی پیدا کنید. در ادامه تعدادی از این حروف را به نگارش در می‌آوریم:

برای دریافت [آموزش جامع حرف اضافه انگلیسی](#) به لینک مقاله مراجعه کنید .

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
توسط	By	بعد از	After	مطابق با	According to
شامل	Including	در برابر	Against	درباره	About
به جز	Except for	بین	Between	در امتداد	Along
بیرون از	Out of	پشت	Behind	قبل از	Before
در حین	During	جنب	Next to	زیر	Below
در کنار	Beside	به، در میان	Into	داخل	Inside
از طریق	Via	از طریق	Through	از	Of

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
در زیر	Underneath	در سراسر	Across	خارج از	Outside
گرد	Round	زیر	Under	بدون	Without
با	With	نزدیک	Near	در داخل	Within
تا	Up to	پایین	Down	در بالا	Above
در بالای	On top of	بالا	Up	تا	Until

✓رایج ترین قیده‌ها

قیده‌ها کاربرد زیادی در زبان انگلیسی دارند و برای توصیف فعل و سایر ساختارهای جمله به کار می‌روند. برای دریافت [لیست جامع قیده‌ها در انگلیسی](#) به همراه آموزش به مقاله لینک شده مراجعه نمایید. مهم‌ترین این قیده‌ها عبارتند:

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
بالا، جلو	Up	هنوز	Yet	مستقیماً	Directly
امروز	Today	نسبتاً، ترجیحاً	Rather	امشب	Tonight
همیشه	Always	بهترین	Best	نزدیک	Close
پیشتر، قبل	Before	به تنهایی	Alone	تقریباً	About
سمت راست	Right	جلو، به جلو	Forward	در بالا	Over
آن جا	There	کاملاً	Exactly	البته	Of course
عقب	Back	سریعاً	Quickly	اخیراً	Recently
حتی	Even	تقریباً، تا حدی	Nearly	به سادگی	Simply
بسیار، خیلی	Very	در ابتدا، در اوایل	Early	قطعاً	Certainly
کمتر	Less	همه	All	بالاخره	Finally

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
پس، چنین	So	در، همواره	On	دیگر، جز این	Else
بیرون	Out	بیشتر	Most	احتمالا	Probably
فقط، تنها	Just	واقعا، به راستی	Really	اندک، قدری	Little
اکنون، حالا	Now	هرگز	Never	پیش، قبل	Ago
سپس، بعد از	Then	وقتی که، کی	When	اغلب	Often
بیشتر	More	به	To	دور، دور از	Away
همچنین، نیز	Also	مانند، چنان که	As	برای مدت طولانی	Long
این جا	Here	به	In	دور، بسیار	Far
به خوبی	Well	هنوز	Still	دوباره	Again
فقط، صرفا	Only	پایین	Down	خیلی، زیاد	Much
تقریبا	Almost	بعدا	Later	یکبار، یک مرتبه	Once
کمترین	Least	دور، پیرامون	Around	به اندازه کافی	Enough
با هم	Together	همین الان هم	Already	شاید	Maybe
به سرعت	Fast	شاید	Perhaps	گاهی اوقات	Sometimes
بہتر	Better	به زودی	Soon	معمولا	Usually

✓رایج ترین کلمات پرسشی

لغات انگلیسی محدود به موارد بالا نمی شود و کلمات پرسشی هم شامل آن ها می شود:

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
چه کسی	who	کجا	where

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
چه	what	چرا	why
چه زمانی	when	چگونه	how
چقدر (برای پول یا غیرقابل شمارش)	how much	چه ساعتی	what time
کدام	which	چند تا (برای قابل شمارش)	how many
چه مدت	how long	مال چه کسی	whose
هر چند وقت یکبار؟	how often	چقدر دور	how far

✓ قید زمان و مکان

زمان بخش جدایی ناپذیر مکالمات روزانه‌اند. برای تعریف کردن درباره اتفاقی که قبلا افتاده یا حتی قرار گذاشتن می‌توانند بسیار کاربردی باشند.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
اول	First	دوشنبه	Monday	هر روز	Everyday
دوم	Second	سه‌شنبه	Tuesday	امروز	Today
سوم	Third	چهارشنبه	Wednesday	امشب	Tonight
هرجا	Anywhere	پنجشنبه	Thursday	همیشه	Always
صبح	Morning	جمعه	Friday	گاهی	Sometimes
دیروز	Yesterday	شنبه	Saturday	اغلب	Often
فردا	Tomorrow	یکشنبه	Sunday	به ندرت	Rarely
همه‌جا	Everywhere	بعدازظهر	Afternoon	هرگز	Never
آن‌جا	There	عصر	Evening	این‌جا	Here

✓ عبارات روزمره (Everyday Expressions)

عبارت‌های روزمره نقش مهمی در مکالمه به زبان انگلیسی دارند و دانستن آن‌ها به تسلط هرچه بیشتر شما به زبان کمک ویژه‌ای خواهد کرد.

برای دریافت [لیست کامل اصطلاحات پرکاربرد انگلیسی + معنی](#) روی لینک مربوطه کلیک نمایید.
در ادامه تعدادی از مهم‌ترین اصطلاحات و عبارت‌های پر کاربرد انگلیسی برای آشنایی شما ارائه شده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
چه خبر؟	What's up	سلام	Hello! / Hi!
ممنون	Thank you.	حالت چطوره؟	How are you?
خاموش کردن	turn off	خواهش می‌کنم	You're welcome.
مشکلی نیست	No problem.	ببخشید	Excuse me.
مراقب خودت باش	Take care.	بعدا می‌بینمت	See you later.
بریم!	Let's go!	نمی‌دانم	I don't know.
فکر کنم همین‌طور	I think so.	درسته	That's right.
-	-	مهم نیست	Never mind.

✓ اسامی (Nouns) پرکاربرد روزمره

در ادامه با دسته‌بندی‌های مختلف موضوعی روبرو می‌شوید. ما در هر دسته‌بندی چندین اسم پرکاربرد را قرار داده‌ایم. یادگیری این کلمات پرکاربرد انگلیسی به شما کمک می‌کنند تا راحت‌تر به انگلیسی صحبت کنید. از طرفی دانش کلی شما از زبان انگلیسی بالا می‌رود و هر وقت مکالمه‌ای به گوش‌تان بخورد، درک مطلب برای‌تان آسان‌تر می‌سازد.

✓ اسامی پرکاربرد خوراکی‌ها به انگلیسی

در ادامه لیست مهم‌ترین کلمات انگلیسی مربوط به خوراکی‌ها را ارائه نموده‌ایم.
برای آشنایی بیشتر با [انواع خوراکی به انگلیسی](#) + 235 لغت خوراکی در انگلیسی به لینک داده شده مراجعه کنید.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
نوشیدنی	Drink	ماهی	Fish	پنیر	Cheese
قهوه	Coffee	میوه	Fruit	سوپ	Soup
چای	Tea	سیب	Apple	صبحانه	Breakfast
نان	Bread	پرتقال	Orange	ناهار	Lunch
برنج	Rice	موز	Banana	شام	Dinner
گوشت	Meat	شیر	Milk	سوپرمارکت	Supermarket
مرغ	Chicken	شکر	Sugar	مغازه	Shop
تخم مرغ	Egg	نمک	Salt	رستوران	Restaurant
سوپ	Soup	صبحانه	Breakfast	آب	Water
شام	Dinner	ناهار	Lunch	غذا	Food

✓ وسایل خانه (Household Items)

برای تکمیل آموزش جامع لغات انگلیسی پرکاربرد در انواع اشیا، جدول زیر ارائه شده است. برای دریافت لغات بیشتر می‌توانید به مقاله های زیر مراجعه نمایید.

🔗 [لیست کامل وسایل آشپزخانه به انگلیسی](#)

🔗 [وسایل اتاق خواب به انگلیسی](#)

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
فریزر	Freezer	درب	Door	تخت خواب	Bed
فر	Oven	زمین	Floor	مبل	Sofa
مایکروفر	Microwave	دیوار	Wall	صندلی	Chair
اجاق گاز	Stove	سقف	Ceiling	میز	Table

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
بشقاب	Plate	فرش	Carpet	لامپ / چراغ	Lamp
لیوان	Glass	ساعت	Clock	نور / چراغ	Light
فنجان	Cup	تصویر / قاب	Picture	آئینه	Mirror
چنگال	Fork	تلویزیون	TV	پنجره	Window
قاشق	Spoon	ریموت	Remote	یخچال	Fridge
اتاق نشیمن	living room	ملحفه	Sheet	چاقو	Knife
بالکن	Balcony	دوش	Shower	حوله	Towel
باغ	Garden	دستشویی	Bathroom	بالش	Pillow
کلید	Key	آشپزخانه	Kitchen	پتو	Blanket
تلفن	Phone	اتاق خواب	Bedroom	کامپیوتر	Computer

✓ مکان‌ها (Places)

در این جدول تعدادی از مکان‌های عمومی به انگلیسی برای شما به همراه معنی فارسی آن‌ها ارائه شده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
ساحل	Beach	رستوران	Restaurant	مدرسه	school
کوه	Mountain	کافه	Café	دانشگاه	University
جنگل	Forest	بار	Bar	دفتر	Office
کویر	Desert	فروشگاه	Shop	بیمارستان	Hospital
رودخانه	River	سوپرمارکت	Supermarket	بانک	Bank

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
دریاچه	Lake	فروشگاه	Market	دفتر پست	post office
دهکده	Village	داروخانه	Pharmacy	فرودگاه	Airport
شهر	City	ایستگاه پلیس	police station	ایستگاه	Station
ایستگاه اتوبوس	bus stop	ایستگاه آتش‌نشانی	fire station	پایتخت	Capital
کشور	Country	خیابان	Street	سینما	Cinema
کارخانه	Factory	راه	Road	تئاتر	Theater
مزرعه	Farm	پل	Bridge	پارک	Park
کلیسا	Church	استخر	swimming pool	کتابخانه	Library
مسجد	Mosque	باشگاه	Gym	هتل	Hotel

✓ بدن و سلامتی (Body & Health)

اگر به دنبال لیست جامعی از اعضای بدن به انگلیسی هستید روی لینک زیر کلیک کنید.

📌 [اعضای بدن به انگلیسی + ویدیو آموزشی](#)

در جدول زیر مهم‌ترین لغات مرتبط با این دسته‌بندی ارائه شده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
دانه قرص	Pill	قلب	Heart	سر	Head
یک ورق قرص	Tablet	شکم	Stomach	صورت	Face
تزریق	Injection	پشت	Back	چشم	Eye
درد	Pain	پا	Leg	گوش	Ear
سرفه	Cough	زانو	Knee	بینی	Nose

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
سرماخوردگی	Cold	پا	Foot	دهان	Mouth
تب	Fever	انگشت پا	Toe	دندان	Tooth
آنفولانزا	Flu	پوست	Skin	زبان	Tongue
بیماری	Disease	مو	Hair	گردن	Neck
ورزش	Exercise	خون	Blood	شانه	Shoulder
رژیم	Diet	مغز	Brain	بازو	Arm
سلامتی	Healthy	دکتر	Doctor	دست	Hand
مریض	Sick	پرستار	Nurse	انگشت	Finger
بیمارستان	Hospital	بیمار	Patient	شست	Thumb

✓ کار و زندگی روزمره (Work & Daily Life)

در ادامه تعدادی از مهم‌ترین لغاتی که هنگام مکالمه درباره کار و بیزنس به کار شما خواهند آمد را ارائه نموده‌ایم.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
دکتر	Doctor	مهلت	Deadline	رئیس	Boss
وکیل	Lawyer	زمان‌بندی	Schedule	همکار	Colleague
هنرمند	Artist	کمپانی	Company	کارمند	Employee
نویسنده	Writer	کارخانه	Factory	مدیر	Manager
خواننده	Singer	کسب و کار	Business	قرار ملاقات	Meeting
بازیگر	Actor	کارگر	Worker	گزارش	Report

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
تمیزکار	Cleaner	مهندس	Engineer	کامپیوتر	Computer
گارسون	Waiter	معلم	Teacher	لپتاپ	Laptop
آشپز	Cook	راننده	Driver	تلفن	Phone
پروژه	Project	کشاورز	Farmer	ایمیل	Email
وظیفه	Task	پلیس	Police	سند	Document
پرستار	Nurse	سرباز	Soldier	کاغذ / مقاله	Paper

✓ تکنولوژی و اینترنت (Technology & Internet)

دنیای تکنولوژی و اینترنت شامل هزارات لغت تخصصی و عمومی است که در جدول زیر بخشی از پرستفاده‌ترین کلمات این حوزه ارائه شده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
اسپیکر	Speaker	ماوس	Mouse	کامپیوتر	Computer
تلویزیون	TV	صفحه نمایش	Monitor	لپتاپ	Laptop
دوربین	Camera	کابل / سیم	Cable	تلفن	Phone
عکس	Photo	باتری	Battery	موبایل	Mobile
ویدیو	Video	شارژر	Charger	تبلت	Tablet
پرونده	File	هدفون	Earphones	صفحه نمایش	Screen
پوشه	Folder	هدفون	Headphones	کیبورد	Keyboard
نرم افزار	Software	اینترنت	Internet	سخت افزار	Hardware
پیام	Message	مرورگر	Browser	وبسایت	Website

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
تماس	Call	گوگل	Google	اینستاگرام	Instagram
نوشته / پیام	Text	اپلیکیشن	App	تویتر	Twitter
چت	Chat	برنامه	Program	یوتوب	YouTube
رسانه‌های اجتماعی	social media	رمز عبور	Password	ایمیل	Email
فیسبوک	Facebook	نام کاربری	Username	تیک‌تاک	TikTok

✓ سفر و حمل و نقل (Travel & Transport)

اگر قصد سفر یا استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی را دارید، جدول زیر نیازهای اولیه شما را رفع خواهد کرد.

چنانچه قصد مطالعه بیشتر دارید، توصیه می‌کنیم مقاله [مکالمات روزمره انگلیسی در سفر](#) را مطالعه کنید.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
سفر	Trip	فرودگاه	Airport	ماشین	Car
تور	Tour	چمدان	Luggage	اتوبوس	Bus
مسافرت	Travel	چمدان	Suitcase	قطار	Train
تعطیلات	Holiday	پاسپورت	Passport	هواپیما	Plane
تونل	Tunnel	ویزا	Visa	کشتی	Ship
رزرو	Reservation	نقشه	Map	قایق	Boat
پرواز	Flight	هتل	Hotel	تاکسی	Taxi
سفر	Journey	خوابگاه / هتل	Hostel	راننده	Driver

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
بلیت	Ticket	اتاق	Room	مسافر	Passenger

✓ سیاست و مذهب (Politics & Religion)

جدولی که در ادامه ارائه شده، شامل بخشی از لغات مهم در حوزه سیاست است:

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
دین	Religion	مناظره	Debate	قانون اساسی	Constitution
ایمان	Faith	فساد	Corruption	آزادی	Freedom
باور	Belief	سیاست	Policy	حزب	Party
کلیسا	Church	دیپلماسی	Diplomacy	کمپین	Campaign
مسجد	Mosque	شهروند	Citizen	رئیس جمهور	President
معبد	Temple	عدالت	Justice	وزیر	Minister
کاهن	Priest	مقدس	Holy	رای گیری	Vote
انتخابات	Election	سنت	Tradition	نماز	Prayer
نامزد	Candidate	دولت	Government	عبادت	Worship
مجلس	Parliament	دموکراسی	Democracy	قانون	Law

✓ جرم و قانون (Crime & Law)

جدول درج شده در ادامه این مطلب، شامل بخشی از مهم‌ترین لغات در دایره واژگان قوانین است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
جریمه	Rule	شاهد	Witness	جرم	Crime
امنیت	Fine	بازداشت	Arrest	جنایتکار	Criminal

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
حفاظت	Security	محاکمه	Trial	مظنون	Suspect
محافظت	Protection	گناهکار	Guilty	قربانی	Victim
تحقیقات	Detective	بی‌گناه	Innocent	پلیس	Police
جرم	Investigation	سرقت	Theft	دادگاه	Court
حکم	Sentence	دزدی	Robbery	قاضی	Judge
مجازات	Punishment	قتل	Murder	وکیل	Lawyer
قانون	Law	حمله	Assault	زندان	Prison
عدالت	Justice	کلاهبرداری	Fraud	بازداشتگاه	Jail

✓لباس و مد (Clothing & Fashion)

جدول زیر به معرفی مهم‌ترین کلمات انگلیسی درباره لباس و مد پرداخته شده است.
برای مشاهده تمامی لغات مربوط به انواع لباس به انگلیسی می‌توانید از طریق لینک زیر اقدام کنید.

📌 [لیست جامع انواع لباس به انگلیسی](#)

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
استایل	Style	دستکش	Gloves	پیراهن	Shirt
مدل	Model	کمر بند	Belt	شلوار	Trousers
طراح	Designer	جوراب	Socks	شلوار جین	Jeans
ترند	Trend	ژاکت	Sweater	لباس مجلسی	Dress
مد	Fashion	تی‌شرت	T-shirt	دامن	Skirt
کفش	Shoes	بلوز	Blouse	ژاکت	Jacket

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
چکمه	Boots	عینک آفتابی	Sunglasses	کت	Coat
کلاه	Hat	کیف دستی	Handbag	کت و شلوار	Suit
کلاه لبه‌دار	Cap	جواهرات	Jewelry	کراوات	Tie
شال	Scarf	ساعت	Watch	انگشتر	Ring

✓فرهنگ و هنر (Culture & Art)

در این جدول نیز، هر لغت انگلیسی مهم در حوزه فرهنگ و هنر که برای استفاده در مکالمه انگلیسی برای شما لازم خواهد، ارائه گردیده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
افسانه	Legend	جشنواره	Festival	هنر	Art
آیین	Ritual	تاریخ	History	موسیقی	Music
رسوم	Custom	میراث	Heritage	رقص	Dance
خلاقیت	Creativity	موزه	Museum	تئاتر	Theater
هویت	Identity	گالری	Gallery	سینما	Cinema
فولکلور	Folklore	نمایشگاه	Exhibition	ادبیات	Literature
درام	Drama	اجرا	Performance	رمان	Novel
اپرا	Opera	زبان	Language	شعر	Poem
فرهنگ	Culture	قصه‌گویی	Storytelling	نقاشی	Painting
تمدن	Civilization	اسطوره	Myth	مجسمه‌سازی	Sculpture

✓حیوانات (Animals)

در ادامه لیستی از برخی حیوانات به انگلیسی به همراه معادل فارسی آن‌ها ارائه شده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
روباه	Fox	خرگوش	Rabbit	سگ	Dog
گوزن	Deer	ببر	Tiger	گره	cat
گورخر	Zebra	شیر	Lion	اسب	Horse
دلفین	Dolphin	فیل	Elephant	گاو	Cow
نهنگ	Whale	زرافه	Giraffe	گوسفند	Sheep
کوسه	Shark	میمون	Monkey	بز	Goat
مار	Snake	خرس	Bear	خوک	Pig
لاک‌پشت	Turtle	گرگ	Wolf	مرغ	Chicken
قورباغه	Frog	حشره	Insect	اردک	Duck
ماهی	Fish	پروانه	Butterfly	پرنده	Bird

✓ خانه‌ها و ساختمان‌ها (Houses & Buildings)

در جدول زیر اصلی‌ترین لغات مرتبط با خانه و ساختمان به انگلیسی گردآوری شده است که می‌توانید از آن‌ها برای [مکالمه روزمره انگلیسی](#) خود نیز استفاده کنید.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
کارخانه	Factory	برج	Tower	آپارتمان	Apartment
انبار	Warehouse	قلعه	Castle	خانه یک طبقه	Flat
کتابخانه	Library	کاخ	Palace	ویلا	Villa
موزه	Museum	کلبه	Hut	کلبه	Cottage
ورزشگاه	Stadium	خانه ییلاقی	Bungalow	کلبه	Cabin

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
آسمان خراش	Skyscraper	مرکز خرید	Mall	عمارت	Mansion

✓علوم (Sciences)

برای آشنایی هرچه بیشتر شما با لغات رایج انگلیسی، تعدادی از این کلمات در حوزه انواع علوم را برای شما جمع‌آوری کرده‌ایم.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
هواشناسی	Meteorology	جانورشناسی	Zoology	زیست‌شناسی	Biology
اقیانوس‌شناسی	Oceanography	ژنتیک	Genetics	شیمی	Chemistry
آناتومی	Anatomy	پزشکی	Medicine	فیزیک	Physics
فیزیولوژی	Physiology	روانشناسی	Psychology	ریاضیات	Mathematics
فناوری	Technology	جامعه‌شناسی	Sociology	نجوم	Astronomy
آزمایش	Experiment	انسان‌شناسی	Anthropology	زمین‌شناسی	Geology
آزمایشگاه	Laboratory	بوم‌شناسی	Ecology	جغرافیا	Geography
تحقیق	Research	داده‌ها	Data	گیاه‌شناسی	Botany
نظریه	Theory	انرژی	Energy	ماده	Matter
فرضیه	Hypothesis	کیهان	Universe	تکامل	Evolution

✓شخصیت‌های انسانی (Human Traits & Personality)

در ادامه جدولی از مهم‌ترین صفات و لغات انگلیسی مرتبط با شخصیت‌های انسانی به همراه ترجمه آن‌ها ارائه گردیده است.

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
جدی	Serious	خلاق	Creative	مهربان	Kind

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
خنده دار	Funny	باهوش	Smart	صادق	Honest
آرام	Calm	خردمند	Wise	مودب	Polite
عصبی	Nervous	صبور	Patient	سخاوتمند	Generous
حساس	Sensitive	دوستانه	Friendly	شجاع	Brave
دلسوز	Caring	مفید	Helpful	با اعتماد به نفس	Confident
لجباز	Stubborn	بی ادب	Rude	خجالتی	Shy
فروتن	Humble	حسود	Jealous	خودخواه	Selfish
کنجکاو	Curious	جاه طلب	Ambitious	تنبل	Lazy
مسئولیت پذیر	Responsible	قابل اعتماد	Reliable	سخت کوش	Hardworking

✓ مسائل اجتماعی (Social Issues)

در جدول زیر بخشی از مهم‌ترین لغات انگلیسی مرتبط با مسائل اجتماعی گردآوری شده است

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
جمعیت	Population	جرم و جنایت	Crime	فقر	Poverty
ازدیاد جمعیت	Overpopulation	خشونت	Violence	نابرابری	Inequality
گرسنگی	Hunger	فساد	Corruption	تبعیض	Discrimination
بی‌خانمانی	Homelessness	مهاجرت	Immigration	نژادپرستی	Racism
اعتیاد	Addiction	پناهندگی	Refugee	بیکاری	Unemployment
مواد مخدر	Drugs	آلودگی	Pollution	آموزش	Education

معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی	معنی فارسی	لغت انگلیسی
آزادی	Freedom	آب و هوا	Climate	بهداشت و درمان	Healthcare
حقوق بشر	human rights	اعتصاب	Strike	مسکن	Housing
توسعه	Development	اصلاحات	Reform	عدالت	Justice
رفاه	Welfare	خیریه	Charity	اعتراض	Protest